

شنومی مغنومی

دفتر پنجم

تألیف مراد جلال الدین محمد بلخی

براساس نسخه ریچولد نیکلسون

به کوشش: سپهر امیری

انتشارات ذهن روشن

تهران - ۱۳۹۷

مثنوی معنوی

مولانا جلال الدین محمد بلخی

دفتر پنجم

به کوشش: سپهر امیری زاده

ناشر: انتشارات ذهن روشن

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۴۰-۹-۲

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

انتشارات ذهن روشن

دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رستمی پلاک ۲

تلفن: ۶۶۴۸۹۰۳۷

سرشناسه: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۴۴۷۲ ق. عنوان: مثنوی معنوی
پدید آور: مثنوی معنوی براساس نسخه رینولد نیکلسون / تالیف مولانا
جلال الدین محمد بلخی. مشخصات نشر: تهران: ذهن روشن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص. فروست: مثنوی معنوی؛ دفتر اول. شابک:
۹۷۴۰-۰۰-۹۹۷۴۰-۶۰۰-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیبا. موضوع: شعر
فارسی - قرن ۷ ق. شناسه افزوده: نیکلسون، رنلدالین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م.
مصحح. رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ج ۵. PIR۵۲۹۹/۱۱. رده بندی دیوبی:
۴۰۵۶۰۶۸ / ۳۱ / ۸. شماره کتابشناسی:

فهرست

۱۱	مفهوم
۱۳	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۴	تَفَسَّرْ خُذْ أَنْفُسَكَ مِنَ الْبُؤْسِ قَضَرُهُنَّ إِلَيْكَ
۱۶	در سبب ورود این حدیث مصطفی که الْكَافِرُ يَأْكُلُ
۱۷	در حجره گشاده صدیقی و مهمان و خود را پنهان کردن
۱۸	سبب رجوع آن مهمان به خانه مصطفی در آن ساعت که
۲۰	نواختن مصطفی آن عرب مهمان را و تمکین دادن او
۲۱	بیان آنکه نماز و روزه و همه چیز بی برونی
۲۲	پاک کردن آب همه پلیدی‌ها را و باز پاک کردن
۲۳	استعانت آب از حق جلّ جلاله بعد از تیره شدن
۲۴	گواهی فعل و قول بیرونی بر ضمیر و نور اندرونی
۲۴	در بیان آنکه نور خود از اندرون شخص منور
۲۵	عرضه کردن مصطفی شهادت را بر آن مهمان خویش
۲۶	بیان آنکه نور که غذای جان است غذای جسم اولیا می‌شود تا
۲۷	انکار اهل تن غذای روح را و لرزیدن ایشان بر غذای خسیس
۲۷	مناجات
۲۸	تمثیل لوح محفوظ و ادراک عقل هر کسی از آن لوح آنکه
۲۸	تمثیل روش‌های مختلف و همّت‌های گوناگون به اختلاف
۲۹	تفسیر یا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ
۳۰	سبب آنکه فَرَجِی را نام فرجی نهادند از اول

- صفت طاووس و طبع او و سبب کشتن ابراهیم ۷ او را ۳۱
- در بیان آنکه لطف حق را همه کس داند و فخر حق را همه کس ۳۳
- تفاوت عقول در اصل فطرت خلاف معتزله که ایشان گویند ۳۵
- حکایت آن اعرابی که سگ او از گرسنگی می‌مرد و انبان او ۳۶
- در بیان آنکه هیچ چشم بدی آدمی را چنان مهلک نیست که ۳۷
- سیر و اِنْ يَكَاذُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُوكَ بِأَبْصَارِهِمْ ۳۷
- فصل آن حکیم که دید طاووسی را که پر زیبای خود را ۳۹
- در بیان آنکه سفا و سادگی نفس مطمئنۀ از فکرت‌ها مشوش ۴۰
- در بیان دل رسا «لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ» ۴۰
- در بیان آنکه سوار سلّ عشق از حق هم حق است ۴۱
- در تفسیر قول رسا «مَاتَ مَاتَ إِلَّا وَتَمَتَّى أَنْ يَمُوتَ» ۴۲
- در بیان آنکه عقل و روح در آب گل محبوسند همچو ۴۳
- جواب گفتن طاووس آن سائل ۴۴
- بیان آنکه هنرها و زیرکی‌ها و مال دنیا همه ز پره‌های ۴۴
- در صفت آن بیخودان که از شر خود و هنر خود ایم شده‌اند ۴۵
- در بیان آنکه ما سوی الله هر چیزی آکل و مأکول است ۴۷
- سبب کشتن خلیل زاغ را که آن اشارت به قمع کدام ۴۹
- مناجات ۵۰
- قال النبی اِرْحَمُوا ثَلَاثًا عَزِيزَ قَوْمٍ ذَلَّ وَ غَنَى قَوْمٍ ۵۲
- قصه‌ی محبوس شدن آن آهو بچه در آخور خران و طعنه‌ی ۵۳
- حکایت محمد خوارزمشاه که شهر سبزوار - که همه رافضی ۵۳
- بقیه‌ی قصه‌ی آهو و آخور خران ۵۶
- تفسیر اِنِّی اُرِّی سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ آن ۵۷
- بیان آنکه کشتن خلیل خروس را اشارت به قمع و قهر ۵۸
- تفسیر خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ ۵۹

- تفسیر أَشَقَّلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا ۵۹
- مثل عالم هست نیست نما و عالم نیست هست نما ۶۲
- در تفسیر قول مصطفی لَأَبْدُ مِنْ قَرْنٍ يُذَفُّنُ مَعَكَ وَ هُوَ ۶۳
- تفسیر وَ هُوَ مَعَكُمْ ۶۴
- در تفسیر قول مصطفی مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا كَفَاهُ ۶۵
- در معنی این بیت ۶۶
- فای آن شخص که دعوی پیغامبری می کرد گفتندش چه ۶۶
- سبب عداوت عام و بیگانه زیستن ایشان به اولیای خدا ۶۸
- در بیان آنکه مرد بکار چون متمکن شود در بدکاری و اثر ۶۹
- مناجات ۷۰
- پرسیدن پادشاه بر آن مدعی نبوت که آن که رسول راستین ۷۱
- داستان آن عاشق که با معشوق خود می شمرد خدماتها و ۷۲
- یکی پرسید از عالمی عارفی اگر ۷۴
- مربدی درآمد به خدمت شیخ و از این شیخ پرسید ۷۴
- داستان آن کنیز که با خر خاتون شهوت می راند و او را ۷۷
- تمثیل تلقین شیخ مریدان را و پیغامبر امت را که اینان را ۸۲
- صاحب دلی دید مگی حامله در شکم آن سگ بیچگان با ۸۳
- قصه ی اهل ضروان و حسد ایشان بر درویشان که پدر ما از ۸۵
- بیان آنکه عطای حق و قدرت موقوف قابلیت نیست همچون ۸۸
- در ابتدای خلقت جسم آدم که جبرئیل را اشارت کرد ۸۹
- فرستادن میکائیل را به قبض حفته ی خاک از زمین جهت ۹۰
- قصه ی قوم یونس بیان و برهان آن است که تضرع و زاری ۹۱
- فرستادن اسرافیل را به خاک که حفته یی برگیر از خاک ۹۲
- فرستادن عزرائیل ملک العزم و الحزم را به برگرفتن ۹۳
- بیان آنکه مخلوقی که تو را از او ظلمی رسد به حقیقت او ۹۵

- جواب آمدن که آنکه نظر او بر اسباب و مرض و زخم تیغ ۹۶
- در بیان وخامت چرب و شیرین دنیا و مانع شدن او از طعام ۹۸
- جواب آن مُغفَل که گفته است که خوش بودی این جهان اگر ۹۹
- فِيْمَا يُرْجَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى مُعْطَى النَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا ۹۹
- قضیه ای باز و حجره داشتن او جهت چارق و پوستین و گمان ۱۰۳
- آن آنکه آنچه بیان کرده می شود صورت قضه است و آنکه ۱۰۵
- حکایت نظر کردن در چارق و پوستین که فَلْيَنْظُرْ ۱۰۶
- خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ تَارِجٍ مِنْ نَارٍ؛ و قوله تعالى فِي حَقِّ ابْلِيسَ إِنَّهُ ۱۰۷
- در معنی اینکه آتش الاشیاء کما هی؛ و معنی اینکه لَوْ كُشِفَ ۱۰۹
- بیان اتحاد شوق معشوق از روی حقیقت اگر چه متضادند ۱۱۰
- معشوقی از عاشق برود که در راه دوست تر داری یا مرا ۱۱۱
- آمدن آن امیر نَمَام با سر سگان هم شده به گشادن آن حجره ی ۱۱۳
- بازگشتن نَمَام از حجره ی ایستاده به سوی راه توبه نهی و ۱۱۴
- حواله کردن پادشاه قبول و توبه ی نَمَام حجره ۱۱۵
- فرمودن شاه ایاز را که اختیار کن از عفو و مکافات که از عدل ۱۱۶
- تعجیل فرمودن پادشاه ایاز را که زود این حکم را بپذیر ۱۱۷
- حکایت در تقریر این سخن که چندین گاه گفت و گو ۱۱۸
- در بیان کسی که سخنی گوید که حال او مناسب آن سخن و آن ۱۱۹
- حکایت در بیان توبه ی نصوح که چنان که شیر از پستان بیرون ۱۲۲
- در بیان آنکه دعای عارفِ واصل در خواست او از حق همجو ۱۲۳
- نوبت جُستن رسید به نصوح و آواز آمدن که همه را جُستیم ۱۲۴
- یافته شدن گوهر و حلالی خواستن حاجبان و کنیزکان ۱۲۵
- باز خواندن شهزاده نصوح را از بهر دلاکی بعد از استحکام ۱۲۶
- حکایت در بیان آنکه کسی توبه کند و پشیمان شود و باز آن ۱۲۷
- تشبیه کردن قطب که عارفِ واصل است در اجرای دادن خَلق ۱۲۸

۱۲۹	حکایت دیدن خر هبزم فروش با نوایی اسبان تازی بر آخر
۱۳۰	ناپسندیدن روباه گفتن خر را که من راضی ام به قسمت
۱۳۰	جواب گفتن خر روباه را
۱۳۱	جواب گفتن روبه خر را
۱۳۱	جواب گفتن خر روباه را
۱۳۱	در تقریر معنی توکل حکایت آن زاهد که توکل را امتحان
۱۳۲	جواب دادن روباه خر را و تحریض کردن او خر را بر کسب
۱۳۲	جواب گفتن خر روباه را که توکل بهترین کسب هاست که هر
۱۳۳	مثل آوردن خر در بیان آنکه در مخیر دولتی فرّ و اثر آن
۱۳۵	فرق میان شیخ کمال واصل و میان سخن ناقصان
۱۳۶	حکایت آن مخنث پروردگار از او در حالت لواطه که
۱۳۷	غالب شدن حیلای روباه بر استعصام تعفّف خر و کشیدن
۱۳۸	حکایت آن شخص که از ترش خویش را در خانه بی
۱۴۰	بردن روبه آن خر را پیش شیر و جستن خا و شر و عتاب
۱۴۱	در بیان آنکه نقض عهد و توبه موجب بلا آورد بلکه موجب
۱۴۱	دوم بار آمدن روبه بر آن خر گریخته تا باز بفریبدش
۱۴۲	جواب گفتن خر روباه را
۱۴۳	جواب گفتن روبه خر را
۱۴۴	حکایت شیخ محمد سرّری غزنوی ۱
۱۴۵	آمدن شیخ بعد از چندین سال از بیابان به شهر غزنین و زنبیل
۱۴۷	در معنی لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ
۱۴۸	رفتن آن شیخ در خانه ی امیری بهر کدیه روزی چهار بار به
۱۴۹	گریان شدن امیر از نصیحت شیخ و عکس صدق او و ایشار
۱۵۰	اشارات آمدن از غیب به شیخ که این دو سال به فرمان ما
۱۵۱	دانستن شیخ ضمیر سائل را بی گفتن و دانستن قدر و ام

- سبب دانستن ضمیرهای خَلَق ۱۵۲
- غالب شدن مکرِ روبه بر استعصام خر ۱۵۲
- در بیان فضیلت احتما و جوع ۱۵۳
- مَثَل ۱۵۳
- حکایت مریدی که شیخ از حرص و ضمیر او واقف شد. او را ۱۵۳
- حکایت آن گاو که تنها در جزیره‌یی ست بزرگ حق تعالی آن ۱۵۴
- صدا کردن شیر آن خر را و تشنه شدن شیر از کوشش رفت به ۱۵۵
- حکایت آن امام که روز با چراغ می‌گشت در میان ۱۵۶
- دعوت آمدن مسلمانان را ۱۵۷
- مثل شیطان بر دین ایمان ۱۵۸
- جواب گفتن مؤمن شیخی کافر جبری را و در اثبات اختیار بنده ۱۶۰
- درک وجدانی چون اخیر و اضطرار خشم و اضطبار و ۱۶۲
- حکایت هم در بیان تقریر خلق و آنکه ۱۶۴
- حکایت هم در جواب جبری و اثبات اختیار و صحت امر و ۱۶۵
- معنی ماشاءالله کان یعنی خواست خواست او و رضای او ۱۶۷
- و همچنین قَدْ جَفَّ الْقَلَمُ یعنی جَفَّ الْقَلَمُ وَ كَتَبَ بَشَرًا ۱۶۸
- حکایت آن درویش که در هری غلامان آراسته‌ی عمید ۱۷۰
- باز جواب گفتن آن کافر جبری آن سنی را که به اسلامش ۱۷۲
- برسیدن پادشاه قاصد ایاز را که چندین غم و شادی با چارق ۱۷۴
- گفتن خویشاوندان مجنون را که حُسن لیلی به اندازه‌یی ست ۱۷۵
- حکایت جوحی که چادر پوشید و در وعظ میان زنان نشست ۱۷۷
- فرمودن شاه به ایاز بار دیگر که شرح چارق و پوستین آشکارا ۱۷۸
- حکایت کافری که گفتندش در عهد ابایزید که مسلمان ۱۷۹
- حکایت آن مؤذن زشت آواز که در کافرستان بانگ نماز ۱۷۹
- حکایت آن زن که گفت شوهر را که گوشت را گربه خورد ۱۸۱

۱۸۳	حکایت آن امیر که غلام را گفت که می بیار غلام رفت و
۱۸۴	حکایت ضیاء دلق که سخت دراز بود و برادرش شیخ اسلام
۱۸۵	رفتن امیر خشم آلود برای گوشمالی زاهد
۱۸۶	حکایت مات کردن دلقک سید شاه ترمید را
۱۸۷	انداختن مصطفی خود را از کوه حری از وحشت دیر
۱۸۸	جواب گفتن امیر مر آن شفیعان را و همسایگان زاهد را که
۱۸۹	دوم بار دست و پای امیر را بوسیدن و لابه کردن
۱۹۰	باز جواب نین امیر ایشان را
۱۹۰	تفسیر این آیه که <i>لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْحَمِلُونَ ثِقَلًا ثِقَلًا</i>
۱۹۲	دگر بار استدعای امام ایاز که آهیل کار خود بگو و مشکل
۱۹۳	تمثیل تن آدمی به مهمان سه و اندیشه های مختلف به مهمانان
۱۹۳	حکایت آن مهمان که زن خداوند خانه گفت که باران
۱۹۵	تمثیل فکر هر روزینه که اندر دل آید ، مهمان را که
۱۹۶	نواختن سلطان ایاز را
۱۹۷	وصیت پدر دختر را که خود را نگه دار تا حامله
۱۹۸	وصف ضعیف دلی و سستی صرفی سایه پرورد مجاهده
۱۹۹	نصیحت مبارزان او را که با این دل و زهره که تو داری که از
۲۰۰	حکایت عبّاضی رحمة الله که هفتاد غزو کرده بود سینه برهنه
۲۰۲	حکایت آن مجاهد که از همیان سیم هر روز یک درم در
۲۰۳	صفت کردن مرد غماز و نمودن صورت کنیزک مصوّر در
۲۰۳	ایثار کردن صاحب موصل آن کنیزک را به خلیفه نا خون
۲۰۶	پشیمان شدن آن سرلشکر از جنایت که کرد و سوگند دادن
۲۰۷	حجّت منکران آخرت و بیان ضعف آن حجّت؛ زیرا حجّت
۲۰۸	آمدن خلیفه نزد آن خوبروی برای جماع
۲۰۸	خنده گرفتن آن کنیزک را از ضعف شهوت خلیفه و قوّت

- ۲۰۹ فاش کردنِ آن کنیزک آن راز را با خلیفه از بیم زخم شمشیر و
- ۲۱۰ عزم کردن شاه چون واقف شد بر آن خیانت که بیوشاند و
- ۲۱۲ بیان آنکه نَحْنُ قَسَمْنَا که یکی را شهوت و قُوَت خران دهد و
- ۲۱۲ دادن شاه گوهر را میان دیوان و مجمع به دست وزیر که این
- ۲۱۳ رسیدن گوهر از دست به دست آخر دور به اباز و کیاست اباز
- ۲۱۵ منع زدن امرا بر اباز که چرا شکستن و جواب دادن
- ۲۱۵ قصه شاه به کشتن امرا و شفاعت اباز پیش تخت
- ۲۱۷ تفسیر گفتن احران فرعون را در وقت سیاست که لَا ضَیْرَ
- ۲۱۸ مجرم دستن انداختن خود را در این شفاعتگری و عذر این جرم